



An Examination of the Legal Nature of Custodial and Safekeeping Contracts in Light of the Principles of European Law on Service Contracts and Iranian Law

Zahra Kimiaei Nalkiashari ¹, Marzieh Zookinejad ²,

Seyyed Mohammad-Mahdi Qabuli Dorafshan ³

1. PhD Student in Private Law, Department of Law, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. Email: z.kimiya20@gmail.com
2. Assistant Professor of Department of Law, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. (Corresponding Author). Email: zookinejad@ut.ac.ir
3. Professor of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: ghaboli@um.ac.ir

Abstract

Received:
2024/07/21
Revised:
2024/11/15
Accepted:
2024/12/12
Published
online:
2026/06/22

Service contracts constitute a distinct category of contracts recognised in two instruments, namely the Principles of European Law on Service Contracts and the Draft Common Frame of Reference, which provide specific rules governing such contracts. One type of service contract is the custodial and safekeeping contract, which is widely used both in commercial transactions and in the ordinary affairs of individuals. Under such a contract, one party undertakes, in return for remuneration, to safeguard and preserve property entrusted to it. This article examines the legal nature of this contract. By comparing its characteristics with those of nominate contracts exhibiting similar structures, the study demonstrates that, notwithstanding certain similarities, the custodial and safekeeping contract differs fundamentally from nominate contracts in light of the characteristics attributed to it in the aforementioned instruments. Accordingly, it cannot be accommodated within any of the nominate contracts recognised under Iranian law. Rather, by virtue of the principles of freedom of contract and party autonomy, it should be classified as an innominate contract governed by Article 10 of the Iranian Civil Code.

Keywords: Service Contracts; Custodial and Safekeeping Contract; Nominate Contracts; Article 10 of the Iranian Civil Code.

How To Cite: Kimiaei Nalkiashari, Z. & Zookinejad, M. & Qabuli Dorafshan, S.M. (2026). An Examination of the Legal Nature of Custodial and Safekeeping Contracts in Light of the Principles of European Law on Service Contracts and Iranian Law, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 13(2), 271-296. <https://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.11042.2564>

Published by: University of Qom ©The Author(s) Article type: Research



بررسی ماهیت قرارداد حفظ و نگهداری با تطبیق در اصول حقوق اروپایی قراردادهای خدمات محور و حقوق ایران

زهرا کیمیائی نالکیاشری^۱، مرضیه زوکی نژاد^۲، سید محمدمهدی قبولی درافشان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران، رایانامه: z.kimiya20@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)، رایانامه: zookinejad@ut.ac.ir

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، رایانامه: ghaboli@um.ac.ir

چکیده

قراردادهای خدمات محور در قالب گروه خاصی از قراردادهای، در دو سند اصول حقوق اروپایی قراردادهای خدمات محور و سند چارچوب مشترک مرجع شناسایی گردیده و قواعد اختصاصی برای آن ها، پیش‌بینی شده است. یکی از انواع قراردادهای خدمات محور قرارداد حفظ و نگهداری است که در عرصه امور تجاری و همچنین امور روز مره مردم در سطح اجتماع، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این قرارداد، یک‌طرف موظف به حفظ و نگهداری از مال سپرده‌شده در قبال دریافت اجرت می‌گردد. در این مقاله به بررسی ماهیت این قرارداد پرداخته شد با تطبیق ماهیت این قرارداد با عقود معینی که دارای ساختار مشابهی با قرارداد فوق می‌باشند، مشخص گردید که قرارداد حفظ و نگهداری به واسطه وجود ویژگی‌هایی که اسناد فوق برای آن پیش‌بینی نموده، علیرغم وجود برخی شباهت‌ها، دارای تفاوت‌های اساسی با عقود معین می‌باشد. لذا نمی‌توان این قرارداد را در قالب عقود معین پیش‌بینی شده در قوانین ایران، قرار داد. از این رو باید با بهره‌گیری از اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای، آن را در زمره عقود نامعین و ماده ۱۰ قانون مدنی به شمار آورد.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۴/۳۱

تاریخ اصلاح:

۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۲

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کلیدواژگان: قراردادهای خدمات محور، قرارداد حفظ و نگهداری، عقود معین، ماده ۱۰ قانون مدنی.

استناد: کیمیائی نالکیاشری، زهرا؛ زوکی‌نژاد، زهرا و قبولی درافشان، سیدمحمدمهدی (۱۴۰۵). مسئول تعمیرات جزئی عین مستأجره در حقوق ایران با مطالعه در حقوق انگلیس، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۳ (۲)، ۲۷۱-۲۹۶.

<https://www.doi.org/10.22091/csiiv.2025.11042.2564>



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

مقدمه

امروزه با گسترش روزافزون روابط تجاری و اجتماعی، استفاده از خدمات نیز همانند کالا مورد نیاز است و اشخاص در قبال دریافت خدمات، هزینه آن را می‌پردازند. قراردادهای خدمات محور، توافقی است که به موجب آن یک طرف (ارائه‌دهنده خدمت)^۱، ارائه خدمتی را به طرف دیگر (دریافت‌کننده یا خریدار خدمت)^۲ درازای اجرت مشخص بر عهده می‌گیرد. (Von Bar & others, 2009: 240)

با توجه به تعریف یادشده، قراردادهای خدمات به گروهی از قراردادها اطلاق می‌شود که مورد معامله به جای کالا، خدمتی خاص نظیر حمل و نقل، ساخت و ساز، حفظ و نگهداری، درمان، بیمه و خدمات تأمین مالی می‌باشد. برخی از این قراردادها به دلیل اهمیت خدمت موضوع قرارداد، مانند خدمات مالی (بیمه و تأمین مالی)، خدمات حمل و نقل و خدمات گارانتی دارای قواعد اختصاصی می‌باشند؛ اما قراردادهایی که قواعد اختصاصی چندانی ندارند و با عنوان «قراردادهای خدمات» شناسایی می‌شوند شامل قراردادهای ساخت و ساز، طراحی، حفظ و نگهداری، مشاوره و تأمین اطلاعات و درمان می‌باشند. (خوهرسندیان، ۱۳۹۷: ۱۳۰)

در سند اصول حقوق اروپایی قراردادهای خدمات محور^۳ که ازین پس به اختصار سند نامیده می‌شود، این قراردادها به شش دسته تقسیم شده‌اند که شامل قراردادهای ساخت^۴، پردازش^۵، حفظ و نگهداری^۶، طراحی^۷، اطلاعات^۸ و درمان^۹ می‌باشد. (Barendrecht.2006:139/ Von Bar & others, 2009: 240)

در فصل چهارم سند در ماده ۴:۱۰۱، قرارداد حفظ و نگهداری این چنین تعریف شده است که «حفظ و نگهداری شامل قرار دادن اشیاء معمولاً اشیاء منقول) در محلی و ترک آن‌ها تحت مراقبت شخص دیگر

-
1. Service Provider
 2. Client
 3. Principles of European Law on Service Contracts (PEL SC)
 4. Construction
 5. Processing
 6. Storage
 7. Design
 8. Information
 9. Treatment

برای حفظ و نگهداری یا استفاده بعدی یا در اختیار گذاشتن (در دسترس گذاشتن) بعدی می‌باشد»^۱. این نوع قرارداد اصولاً برای حفظ و نگهداری اشیای منقول طراحی گردیده است؛ اما ممکن است برای حفظ و نگهداری موارد دیگر مانند نرم‌افزار و اطلاعات و... نیز مورد استفاده قرار گیرد.

به نظر می‌رسد برخی قراردادها مانند قرارداد صندوق امانات، پارکینگ، نگهداری سلولهای بنیادین، رایانش ابری و موارد دیگر از این قبیل دارای شباهت با قرارداد حفظ و نگهداری می‌باشند ولیکن در خصوص ماهیت آنها در حقوق ایران اختلاف نظراتی وجود دارد به طور مثال در خصوص قرارداد صندوق امانات بانک برخی معتقدند ماهیت این قرارداد، به نوعی شبیه به اجاره، برخی عقیده دارند این قرارداد مانند ودیعه و برخی آن را ترکیبی از قرارداد اجاره و ودیعه می‌دانند. لذا با توجه به شباهت عقود فوق با قرارداد حفظ و نگهداری، می‌توان در صورت مشخص شدن ماهیت آن، از قرارداد فوق به عنوان قالب مناسب جهت استفاده در مصادیق و عقود مشابه بهره برد.

در این تحقیق جهت شناخت قرارداد حفظ و نگهداری، ابتدا به بررسی تعریف این قرارداد پرداخته شده، سپس به بررسی ماهیت این قرارداد با توجه به عقود معین و نامعین موجود در حقوق ایران پرداخته و در پایان با توجه به مقایسه انجام گرفته، نتیجه‌گیری به عمل خواهد آمد.

۱- تعریف قرارداد حفظ و نگهداری

قرارداد حفظ و نگهداری، توافقی میان نگهدارنده (ارائه‌دهنده خدمت) و دریافت‌کننده خدمت است. بر اساس این قرارداد، یک‌طرف یعنی دریافت‌کننده خدمت، مالی اعم از مادی یا معنوی را به شخص دیگر تحویل می‌دهد و اعتماد می‌نماید که شخص دیگر مراقب آنها بوده و در مقابل، وی باید قیمت خدمت (اجرت) را پرداخت نماید.

منظور از حفاظت و نگهداری، انجام اقدامات معقول و متعارف و همچنین اعمال مراقبت‌ها و تأمین‌هایی لازم از قبیل محافظت کالای موضوع قرارداد در مکان مناسب به اقتضای نوع مال، تجهیزات و امکانات

1. Storage involves the placing and leaving of - usually: movable - things in the care of another person for preservation or later use or disposal.

برودتی و حرارتی، تغذیه احشام به منظور جلوگیری از تلف آنها، تأمین نور مناسب و رفع رطوبت انبار، بارگیری و تخلیه کالا از وسایل نقلیه مربوطه و... می باشد. (شفیعی، ۱۳۸۹: ۱۵)

در حقوق ایران و در متون فقهی، یکی از عقود که در ظاهر شباهت زیادی با قرارداد حفظ و نگهداری دارد عقد ودیعه است. بسیاری از فقها در تعریف ودیعه بیان نموده اند ودیعه عقدی است که اثر آن استنابت در حفظ مال است (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۱:۳۸۹ / طباطبایی، ۱۴۰۴، ۱:۶۱۸ / حسینی، ۱۳۷۳: ۲۹۹) هرچند که هدف هر دو قرارداد، حفظ و نگهداری از مال و بازگرداندن آن می باشد، ولی همانطور که در ادامه بیان می گردد علیرغم وجود شباهت، این دو قرارداد دارای تفاوت هایی هستند که موجب می شود نتوان آن ها را در یک قالب قلمداد نمود.

مطابق سند اصول قراردادهای قراردادهای خدمات محور، حفظ و نگهداری در مورد قراردادهایی اعمال می شود که به موجب آن یکی از طرفین، نگهدارنده، متعهد می شود یک مال منقول یا غیرمادی را برای طرف دیگر ذخیره کند. بنابر سند فوق، حفظ و نگهداری از اموال غیرمنقول از دایره شمول قرارداد حفظ و نگهداری خارج بوده و مشمول مقررات خاص دیگری می باشد. به علاوه مطابق ماده ۴:۱۱۳ مطرح شده در این فصل، حفظ و نگهداری پول و اوراق بهادار و حقوق که معمولاً توسط بانک ها و موسسات مالی و اعتباری انجام می پذیرد نیز از قلمرو شمول قرارداد حفظ و نگهداری خارج می باشد و تحت شمول مقررات خاص و موافقت نامه ها و کنوانسیون های مربوطه می باشند. با این حال، این مسئله دارای استثناء نیز می باشد به عنوان مثال هنگامی که مسافری برای اقامت به یک هتل مراجعه می نماید و برخی لوازم و اموال خود را جهت نگهداری در گاود صندوق هتل به متصدی هتل تحویل می نماید این موضوع مشمول قرارداد حفظ و نگهداری است. (Benoliel, 2016: 30)

۲- بررسی اوصاف قرارداد حفظ و نگهداری

قرارداد حفظ و نگهداری مانند دیگر قراردادها دارای اوصاف و ویژگی هایی است که در این قسمت به بررسی آنها پرداخته می شود.

۱-۲. بررسی از حیث لزوم و جواز

عقود از حیث دوام به لازم و جایز تقسیم می‌گردند (شهیدی، ۱۳۹۰: ۶۵) عقد لازم در ماده ۱۸۵ قانون مدنی چنین تعریف شده است: «عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معین» پس عقد لازم با فوت یا جنون یا سفه طرفین منفسخ نمی‌شود و تنها در موارد استثنا با موجباتی چون خیار، اقاله یا قانون منحل می‌گردد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۳۹) عقد جایز نیز در ماده ۱۸۶ قانون مدنی این چنین تعریف شده است که «عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد فسخ کند»

مطابق سند فوق، قرارداد حفظ و نگهداری از جانب دریافت‌کننده خدمت جایز و از ناحیه نگهدارنده لازم می‌باشد، چرا که این قرارداد، قراردادی حرفه‌ای محسوب شده و هدف اصلی دریافت‌کننده خدمت از تحویل مال خویش به نگهدارنده و پرداخت هزینه برای این کار، جلوگیری از تضرر و ورود خسارت به مال و در نهایت کسب منفعت می‌باشد؛ بنابراین فلسفه اصلی حفظ و نگهداری این است که نگهدارنده تلاش نماید که مال سپرده شده از صدمه مصون بماند؛ ولی هر زمان که نیاز به مال مورد ذخیره داشت بتواند به آسانی و مانند زمان واگذاری، مسترد نماید و از آن یا منافع آن منتفع گردد. (Barendrecht & others, 2006: 552)

توضیح آنکه در حقوق مشترک اروپا و در دو سند چهارچوب مشترک و اصول اروپایی خدمات، به دریافت‌کننده این حق داده شده، هر وقت بخواهد رابطه حقوقی خود را با ارائه‌کننده خدمت خاتمه دهد. البته در این اسناد پیش‌بینی شده است که اگر دریافت‌کننده خدمت توجیهی در خاتمه‌دادن به قرارداد نداشته باشد به عبارتی استحقاق انحلال قرارداد را نداشته باشد بایستی از عهده مخارج و خسارات ارائه‌کننده بر آید. (Von Bar & others, 2009: 1719)

۲-۲. بررسی از نظر عهدی یا تملیکی بودن

یکی از تقسیم‌هایی که در مورد عقود در فقه اسلامی وجود دارد تقسیم عقد به عهدی و تملیکی است. (آملی، ۱۴۱۳: ۸۲) در قانون مدنی ایران، از جمله ماده ۸۲۵ در باب وصایا، عقد به عهدی و تملیکی تقسیم شده

است. چنین تقسیمی در حقوق کشورهای غربی یافت نمی‌شود و عدم وجود آن طبیعی می‌نماید؛ زیرا در حقوق این کشورها اثر اولیه همه عقود ایجاد تعهد است؛ ازاین‌رو برخی از اساتید که در تنظیم آثار خود، از آثار حقوقی کشورهای دیگر تأثیر بیشتری پذیرفته‌اند، به تقسیم عقد به عهدی و تملیکی اشاره‌ای نکرده‌اند. (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۸۷: ۶۵) عقدی را که نتیجه مستقیم آن انتقال ملکیت یا حق عینی جزئی تر است عقد تملیکی و عقدی را که سبب ایجاد و انتقال و سقوط تعهد است را می‌توان عهدی شمرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۴)

بر اساس ماده ۴:۱۰۱ از سند مذکور، قرارداد حفظ و نگهداری، قراردادی معرفی شده که به‌موجب آن ارائه‌کننده تعهد می‌کند خدمتی را به دیگری ارائه نماید. (Barendrecht & others. 2006 : 506) ازاین‌رو مطابق تعریف فوق‌الذکر می‌توان دریافت که قرارداد حفظ و نگهداری جزو عقود عهدی است نه تملیکی، چراکه مطابق تعریف مذکور هدف از انعقاد قرارداد، ارائه خدمت حفظ و نگهداری در مقابل اجرت با رعایت برخی شرایط و ضوابط خاص می‌باشد؛ لذا این عقد ازجمله عقود عهدی قلمداد خواهد شد؛ زیرا انتقال مالکیتی در آن صورت پذیرفته و هدف عمده آن ایجاد تعهد برای طرفین قرارداد می‌باشد.

۳-۲. معوض یا مجانی بودن

بر مبنای مورد معامله می‌توان قراردادها را به معوض و غیر معوض یا مجانی تقسیم نمود این تقسیم بندی در کتب فقها نیز به چشم می‌خورد. (حلی، ۱۴۰۳: ۱۷۰ / خمینی، ۱۴۱۸: ۱۵) در عقد معوض آنچه مورد معامله قرار می‌گیرد دو مال یا دو عوض است که یکی در مقابل دیگری فرض می‌شود. نمونه بارز عقد معوض، بیع است که مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی تملیک عین به عوض معلوم تعریف شده است. قرارداد اجاره و بسیاری از قراردادهای با نام یا بی‌نام دیگر، معوض هستند. در عقود معوض عوضین مورد معامله نامیده می‌شوند و جزو ارکان عقد هستند. (نیکوند، ۱۳۹۶: ۵۷)

در کلیه قراردادهای خدمات، طرفین نسبت به یکدیگر دارای تعهد متقابل می‌باشند. به عبارت دیگر هر کدام از ایشان به یک اعتبار متعهد و به اعتبار دیگر متعهدله است. ارائه‌کننده به این اعتبار که بایستی خدمتی را به طرف مقابل عرضه دارد، متعهد و به این اعتبار که در ازاء این خدمت، مستحق دریافت اجرت یا قیمت

خدمات است، متعهدله می‌باشد. و از سوی دیگر دریافت‌کننده در مقابل ارائه‌کننده متعهد قلمداد می‌گردد. (امیری ۱۳۹۶: ۹۴)

بنابراین در قراردادهای خدمات محور، ارائه خدمت در ازاء دریافت قیمت صورت می‌گیرد؛ لذا قرارداد حفظ و نگهداری نیز در زمره عقود معوض می‌باشد.

۲-۴. رضایی یا تشریفاتی بودن

عقد رضایی عقدی است که در صورت اجتماع شرایط اساسی و اختصاصی معاملات، صرفاً با قصد مشترک طرفین به شرط ابراز اراده و بدون نیاز به امر دیگری تشکیل می‌شود. (شهیدی، ۱۳۹۰: ۸۸) در تعریف عقد تشریفاتی بیان شده است که پیمانی است که تراضی آن نیاز به تشریفات یا واژه خاص دارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۷)

بر اساس نظر فقها اصل بر رضایی بودن عقود است (انصاری، ۱۴۰۰: ۱۰ / امام خمینی، ۱۳۹۰: ۵۸: ۲) این اصل در حقوق مدنی ایران نیز مورد قبول قرار گرفته است، در این زمینه ماده ۱۹۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقد محقق می‌شود به قصد انشا به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند». ماده ۳۳۹ قانون نیز مدنی بیان می‌کند: «پس از توافق بائع و مشتری در مبیع و قیمت آن، عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود» پس در حقوق ایران اصلبر رضایی بودن قرارداد می‌باشد و در هرجا که نسبت به لزوم شرطی تردید شود از اصل استفاده می‌کنند و تراضی را کافی می‌شمرند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۳۶) در حقوق اروپا نیز رضایی بودن قراردادها و تعهدات مورد توجه قرار گرفته و پذیرفته شده که اصل بر رضایی بودن قراردادها می‌باشد (Zimmermann, 1996: 559) این موضوع در سند اصول قراردادهای اروپا و در مواد 111:2 و 112:2 و 113:2 در مورد قصد طرفین و توافق در ایجاد قرارداد، اشاره شده که قراردادهای خدمات به عنوان یک عقد رضایی در حقوق اروپا قابل طرح می‌باشند (شعاریان، ۱۳۸۹: ۱۲۰) قرارداد حفظ و نگهداری نیز از این حیث مشابه سایر قراردادهای خدمات محور بوده و در زمره عقود رضایی محسوب می‌گردد.

۵-۲. مستمر یا فوری بودن

عقد فوری به عقدی گفته می‌شود که به محض انعقاد، اثر آن محقق شده و پایان می‌پذیرد هر چند ممکن است اثر اجرای تعهدات آن موکول به زمان دیگری بعد از انعقاد عقد گردد. نقطه مقابل آن عقد مستمر است که اجرای تعهدات و آثار آن به محض انعقاد قرارداد ایجاد نمی‌شود و پس از عقد استمرار دارد. (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۹۷)

برخلاف عقد فوری که اقتضای اصلی عقد به شکل آنی محقق می‌شود، زمان در عقد مستمر، عنصر جوهری و ذاتی است که مقیاس تعیین التزامات طرفین می‌شود. بر اساس همین وصف از این عقود، با عنوان عقد ممتد یا زمانی نیز یاد شده است؛ بنابراین ملاک مستمر بودن عقد توجه به ماهیت مورد عقد است؛ زیرا در عقد مستمر طبیعت موضوع عقد ضرورتاً به گونه‌ای است که در طول زمان استمرار دارد نه اینکه تنها بر مبنای خواست و اراده طرفین اجرای عقد در طول یک بازه زمانی مشخص تداوم یابد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷: ۲۸) به عنوان مثال عقد بیع از مصادیق عقود فوری است؛ زیرا تملیک به عنوان اثر اصلی آن در لحظه انعقاد عقد محقق خواهد شد حتی اگر تحویل مبیع یا پرداخت ثمن دارای اجل باشد یا اجرای هریک از تعهدات فرعی طرفین با تأخیر مواجه شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۸۴) از طرف دیگر اجاره مانند هر عقدی با موضوع انتفاع از اشیا عقدی مستمر است حتی اگر مستأجر به موجب قرارداد اقدام به پرداخت نقدی اجاره بها نماید؛ زیرا بهره مندی او از منافع عین مستأجره در طول زمان و به شکل مستمر تحقق می‌یابد و برای تحقق محل التزام مطابق توافق طرفین، ضروری است زمان در بازه مشخص شده سپری شود. (نورانی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۲ / درآغمه، ۲۰۰۴: ۵۵)

در برخی کشورها مانند فرانسه ماده ۱-۱۱۱۱ قانون مدنی به تعریف عقد مستمر و تفاوت ماهوی آن با عقد فوری تصریح شده است. (پاکباز، ۱۴۰۱: ۹۱) در این موارد که اغلب تابع سنت حقوق رومی ژرمنی محسوب می‌شوند با اتکاء بر همین تعریف قانونی، آثار تمایز حقوقی این تقسیم در دکتترین و رویه قضایی مطرح شده و از این طریق خلا قانونی رفع شده است. به عنوان مثال در فرانسه عقد مستمر به دو نوع قرارداد

تداوم دار^۱ و عقد دوره ای^۲ تقسیم شده است. همچنین در صورت تعیین زمان استمرار، عقد مستمر با زمان مشخص^۳ و در غیر این صورت عقد مستمر بدون مدت^۴ نامیده می شود.^۵ (Mazeaud, 2015: 400) در فصل مربوط به قرارداد حفظ و نگهداری در سند در خصوص مستمر بودن یا نبودن این قرارداد سخنی به میان نیامده است ولیکن در قسمت اصول کلی سند مذکور اشاره به این موضوع شده است که قرارداد های خدمات می بایست زمان داشته باشد و یا اینکه برای یک دوره زمانی انجام پذیرد. (Beale & others, 2010: 348)

با دقت در ویژگی های قرارداد حفظ و نگهداری رابطه و تعهد ارائه کننده خدمت کاملاً استمرار داشته و نگهدارنده تا پایان مدت قرارداد متعهد به حفظ و نگهداری از مال موضوع قرارداد بوده و در پایان دوره نیز، می بایست آن را به مشتری خود مسترد نماید.

۲-۶. مسامحه ای یا مغاینه ای بودن

منظور از عقود مغاینه ای، عقود است که در آن طرفین قرارداد، در تلاش برای دستیابی به حداکثر سود شخصی و جلب منفعت مالی بیشتر هستند البته مطابق منابع فقهی، تعادل میان عوضین به عنوان یکی از شروط عقود معاوضی مورد توجه است. این تعادل به این معناست که ارزش دو عوض در عقد، تا حد ممکن با هم برابر یا متناسب باشد. البته، این تعادل به معنای لزوم برابر بودن دقیق ارزش عوضین نیست، بلکه تنها لازم است اختلاف فاحشی در ارزش ها وجود نداشته باشد، به گونه ای که موجب غرر (ابهام و گمراهی) یا ضرر برای یکی از طرفین شود. (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۵۲ / شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۵۵). در مقابل منظور از عقد مسامحه ای، قراردادی است که در آن، هیچ یک از طرفین قصد جلب حداکثر منافع مالی به نفع خود را ندارند و با نگاهی توأم با تسامح و تساهل، دست به انجام معامله می زنند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۱۲).

1. Contrat à Execution Continue

2. Contrat à Execution Periodique

3. Contrat à Durée Déterminée

4. Contrat à Durée Indéterminée

5. Article 1111-1 Création Ordonnance n°2016-131 du 10 février 2016 - art. 2 Le contrat à exécution instantanée est celui dont les obligations peuvent s'exécuter en une prestation unique. Le contrat à exécution successive est celui dont les obligations d'au moins une partie s'exécutent en plusieurs prestations échelonnées dans le temps.

مطابق سند فوق و در ماده ۴:۱۰۸ این سند قید شده است که یکی از تعهدات دریافت کننده خدمت، پرداخت اجرت می باشد بنابراین قرارداد حفظ و نگهداری قطعا در زمره عقود مغایه ای و بر مبنای تعادل بوده و هدف از انعقاد آن کسب حداکثر سود ناشی از ارائه خدمت می باشد.

۳ - مقایسه قرارداد حفظ و نگهداری با عقود معین در حقوق ایران

قراردادها از حیث ساختار به دو نوع معین و نامعین تقسیم می شوند. به عقدی معین می گویند که در قانون نام خاص دارد و قانونگذار شرایط انعقاد و آثار آنها را معین نموده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۸۷) برعکس، عقود که در قانون عنوان و صورت خاصی ندارند و شرایط و آثار آن وابسته به اراده اشخاص است را عقود نامعین می نامند. (شهیدی، ۱۳۹۰: ۷۹) در این قسمت به بررسی قرارداد حفظ و نگهداری با عقود معین در حقوق ایران پرداخته می شود.

۳-۱. مقایسه قرارداد حفظ و نگهداری و ودیعه

بسیاری از فقها جهت تعریف عقد ودیعه، از اثر اصلی آن بهره گرفته و آن را استنباط در نگاهداری یا عقدی که اثر آن، استنباط در نگاهداری است، معرفی نموده اند. لازم به ذکر است که استنباط در نگاهداری در لسان فقهی در معنای امین قراردادن به کار می رود. به همین جهت برخی، عقد ودیعه را عقدی دانسته اند که به موجب آن، شخصی مال خود را به دیگری می دهد تا نزد وی امانت بوده و توسط او نگاهداری شود. با توجه به این مقدمه مشخص می شود که جوهره همه تعاریف ارائه شده از ودیعه، این است که به موجب عقد ودیعه، شخصی، نایب و امین دیگری در نگاهداری از مال می گردد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۲۲۹ / روحانی، ۱۴۱۲، ۳۱۰: ۱۹ / زین الدین، ۱۴۱۳، ۴۸۵: ۴)

ماده ۶۰۷ قانون مدنی در تعریف ودیعه بیان داشته: «عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می سپارد برای آنکه آن را مجاناً نگاه دارد.» با این تعریف جوهر و مقتضای این عقد در دو عامل خلاصه می شود اول این که مالی به منظور نگاهداری به دیگری سپرده شود. نگاهداری هدف اصلی طرفین قرارداد است؛ دوم این که گیرنده آن را حفظ کند و با نخستین مطالبه آن را به صاحبش برگرداند.

با دقت در دو قرارداد حفظ و نگهداری و ودیعه مشخص می گردد که هدف اصلی هر دو قرارداد، حفظ و نگهداری از مال سپرده شده می باشد. حال با توجه به این شباهت می بایست به بررسی دقیق تر دو قرارداد مذکور پرداخته شود تا در نتیجه روشن گردد که قرارداد حفظ و نگهداری و عقد ودیعه یکسان می باشند یا خیر؟

اول: عقد ودیعه مطابق ماده ۶۱۱ قانون مدنی عقدی جایز است پس مالک یا امین هرگاه بخواهند می توانند آن را بر هم زنند. اثر فسخ نسبت به آینده است و تغییری در وضع سابق ایجاد نمی نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۷) قرارداد مدت ضمن عقد ودیعه موجب تبدیل شدن آن به عقد لازم نمی گردد هرچند که به صورت شرط باشد زیرا شرط در لزوم و جواز تابع عقد اصلی است. (امامی، ۱۳۹۰، ۲: ۱۶۳)

در مورد قرارداد حفظ و نگهداری، مطابق ماده ۱:۱۱۵ سند صراحتاً بیان شده است «مشتري می تواند هر زمان که بخواهد قرارداد خدمت را فسخ کند»؛ مطابق این ماده می توان دریافت که قرارداد مذکور صرفاً از ناحیه مشتری جایز می باشد. زیرا مشتری به عنوان شخصی که ممکن است با هدف تجاری مال را برای حفظ و نگهداری سپرده باشد، هر لحظه به واسطه نیاز بازار و یا نیاز شخصی، تقاضای استرداد مال خود را بنماید. ولی از طرف مقابل نگهدارنده نمی تواند هر زمان که تمایل داشت قرارداد را فسخ نموده و یا مشتری را مجبور به تحویل کالای خود پیش از انقضای مدت قرارداد نماید. این شرایط در کلیه قراردادهای خدمات محور وجود دارد. (ساعتچی، آل سعدی، ۱۳۹۷: ۲۶۹)

قرارداد حفظ و نگهداری، قراردادی حرفه ای محسوب می گردد و نگهدارنده عضوی از یک گروه حرفه ای می باشد لذا میزان مهارت و مراقبت مورد انتظار از وی به مقداری است که از یک عضو حرفه ای از آن صنف انتظار می رود. (Chitty, 2012: 1007)

دوم: ودیعه عقدی مجانی است و عوض در مقابل ارائه خدمت قرار نمی گیرد. هر چند که با گذشت زمان و به دلیل رفع نیازهای اقتصادی و تجاری عقد ودیعه که در اصل رایگان بود به یک قرارداد معوض تبدیل شده است. با این وجود شرط عوض در برابر خدمت رابطه حقوقی پیدا نمی کند و در زمره تعهدات اصلی ناشی از عقد در نمی آید و جنبه فرعی دارد. در واقع فرعی بودن تعهد به دادن عوض مانع از این است

که اجرت نیز هم سنگ تعهد به نگهداری مال شود و به عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر موضوع قصد مشترک طرفین قرار گیرد. (کاتوزیان ۱۳۸۹، ۴:۱۶ / کاشانی، ۱۳۸۸: ۱۶۱)

مطابق ماده ۴:۱۰۸ سند مذکور یکی از تعهدات دریافت‌کننده خدمت، پرداخت اجرت می‌باشد و در صورت عدم انجام این تعهد تبعات و مسئولیت‌هایی از جمله حق حبس تا زمان تادیه مزد واجرت برای وی در نظر گرفته خواهد شد. از طرف دیگر یکی از مقاصد اصلی نگهدارنده حرفه‌ای که شاغل به این شغل می‌باشند، کسب درآمد و منفعت ناشی از ارائه خدمت می‌باشد. لذا این قرارداد از جمله عقود معوض محسوب می‌گردد. (Barendrecht & others, 2006:500)

۳-۲. مقایسه قرارداد حفظ و نگهداری با قرارداد اجاره

در ماده ۴۶۶ قانون مدنی اجاره این گونه تعریف شده است: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستاجر می‌شود...» به طور کلی عقد اجاره را به تملیک منافع به عوض تعریف کرده‌اند. در قانون مدنی و بر اساس ماده ۴۶۷ اجاره به اعتبار موضوع به سه دسته اجاره اشخاص، اشیاء و حیوان تقسیم گردیده است که به تفکیک مورد بررسی و تطبیق با قرارداد حفظ و نگهداری قرار خواهد گرفت.

۳-۲-۱. مقایسه قرارداد حفظ و نگهداری و قرارداد اجاره اشیا

در اجاره اشیا، انسان منفعت چیزی را در مقابل عوضی به ملکیت دیگری در می‌آورد؛ برخی حقوقدانان این عقد را این گونه تعریف کرده‌اند که «اجاره اشیا قراردادی است که به وسیله آن یکی از طرفین متعهد می‌شود به تملیک منفعت یک شیء به طرف دیگر برای مدت معین و در مقابل قیمت معین.» (بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۷)

وجه شباهتی که بین قرارداد حفظ و نگهداری و اجاره اشیا وجود دارد این است که نگهدارنده، مال سپرده شده را می‌بایست در جایی حفظ و نگهداری نماید؛ لذا ممکن است در بدو امر به نظر رسد که این قرارداد عقد اجاره است در حالی که هدف اصلی از انعقاد قرارداد حفظ و نگهداری، حفاظت از مال سپرده شده می‌باشد و نه اجاره محل. ضمن این که در قرارداد اجاره، مستاجر مالک منافع عین مستاجر می‌گردد و می‌تواند در مدت اجاره از محل مورد اجاره استفاده و هر زمانی که تمایل داشت در آن مکان رفت و آمد

داشته و یا هر کالایی را که اراده نمود در محل اجاره قرارداده و یا از آنجا بردارد. در حالی که در قرارداد حفظ و نگهداری این چنین نیست و دریافت کننده خدمت حق انتفاع انحصاری از محل مال مورد نگهداری را ندارد و صرفاً می تواند مطابق بند ذیل ماده ۱۰۴:۱ سند مذکور، و در راستای اجرای تعهد به همکاری بر اجرای کار نظارت داشته باشد. (ساعتچی، جاویدی آل سعدی، ۱۳۹۷: ۹۹)

۲-۲-۳. مقایسه قرارداد اجاره اشخاص با قرارداد حفظ و نگهداری

مقصود از اجاره اشخاص، عقدی است معوض که به موجب آن شخص در برابر اجرت معین ملتزم می شود کاری را انجام دهد. به عبارت دیگر تعهد به فعل معین مشروع در برابر عوض معین را اجاره اشخاص گویند. اجاره اشخاص از لحاظ شرایط انعقاد و درستی عقد تابع قواعد معمولی اجاره است؛ یعنی قراردادی است معوض که در آن منافع اجیر و عوض باید مشروع، عقلایی، معین و مقدور باشد. تعیین این منافع به دو صورت امکان دارد: ۱) تعیین مدتی که اجیر باید کار کند. ۲) کاری که باید انجام دهد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۶)

از نظر قانون مدنی اجاره اعم از اینکه موضوع آن شی یا حیوان یا انسان باشد عقد تملیکی محسوب می شود پس با این وجود ممکن است گفته شود که عقد اجاره اشخاص عقدی است که به موجب آن مستاجر مالک منافع اجیر می شود که در این صورت مالکیت یک نفر را بر دیگری پذیرفته ایم حال آنکه قانون اساسی در اصل دوم بند (ج) سلطه انسان ها بر یکدیگر را نفی کرده است ولی برخی اساتید حقوقی معتقدند شاید بهتر باشد به جای اجاره اشخاص در ماده ۵۱۲ قانون مدنی با الهام از قانون فرانسه اجاره خدمات به کار برده شود. ماده ۱۷۱۰ قانون مدنی فرانسه در تعریف اجاره خدمات مقرر می دارد قراردادی است که به موجب آن یکی از دو طرف ملتزم به انجام کاری برای دیگری در برابر مبلغ مورد توافق آنان می شود. (کاتوزیان ۱۳۸۷: ۵۵۸)

فقه های امامیه در تعریف اجاره اشخاص می گویند «عقدی است که به موجب آن مستاجر تمام منافع یا منفعت خاصی را برابر مالی برای مدت معینی به مستاجر تملیک می کند یا در برابر اجرت معین تعهد انجام کار را می نماید» (نجفی، ۱۴۰۱: ۵۳۹ / شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۲۴) برخی حقوق دانان در تعریفی که از اجاره اشخاص ارائه می دهند می گویند اجاره اشخاص یا اجاره اعمال هرگونه عقدی است معوض که به موجب

آن آدمی منافع عمل خود را در برابر گرفتن اجرت معین در اختیار طرف دیگر عقد قرار می‌دهد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۸۶)

حال با عنایت به مطالب فوق می‌توان دریافت که قرارداد حفظ و نگهداری با قرارداد اجاره دارای شباهتهایی می‌باشد ولی در عین وجود این شباهت‌ها، وجود برخی تفاوتها موجب می‌گردد که این دو قرارداد ماهیتی متفاوت از یکدیگر بیایند که در ذیل بررسی می‌گردد:

اول: عقد اجاره در زمره عقود لازم می‌باشد و هیچ یک از طرفین بدون رضایت طرف مقابل و یا دلیل قانونی امکان فسخ قرارداد را در میان دوره قراردادی نخواهند داشت. چراکه هیچ یک از طرفین بدون دلیل امکان فسخ قرارداد را نخواهند داشت. این در حالی است که همانطور که سابقاً بیان شد قرارداد حفظ و نگهداری صرفاً از جانب مشتری جایز می‌باشد. (Barendrecht & others. 2006: 552)

دوم: یکی دیگر از تفاوت‌های این عقود این است که در حقوق ایران و مطابق ماده ۴۶۶ قانون مدنی اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستاجر می‌شود قانون مدنی در این تعریف اجاره را عقدی تملیکی می‌داند که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستاجر می‌شود و به بیان بهتر، در مدت اجاره از همان سلطه و حقوق مالک استفاده می‌نماید و مانند او صلاحیت انتفاع از عین را در اختیار خود می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲۴) البته نسبت به این موضوع اختلاف نظرهایی نیز وجود دارد و برخی معتقدند اجاره انسان در زمره عقود عهدی است. ولیکن شاید علت اینکه قانون مدنی این عقد را در زمره عقود تملیکی دانسته را بتوان در این موضوع یافت که عقیده تملیکی بودن اجاره اشخاص از فقه که منبع تدوین قانون مدنی بوده است به این قانون راه یافته است چرا که برخی فقهای معاصر نیز انواع قرارداد اجاره را تملیکی می‌دانند و به بیان ایشان، اجاره نوعی تملیک منافع است و مستاجر در ازای پرداخت اجاره بها، مالک منافع می‌شود. (خمینی، ۱۳۸۰: ۶۲۹)

با این وجود برخی در بیان عهدی یا تملیکی بودن قرارداد اجاره اشخاص معتقدند که عمل اجیر خاص به تملیک در می‌آید و نه خود او. لذا از این رو می‌گویند مناسب است در مورد اجاره اشخاص قائل به

پیدایش حق الزام اجیر به انجام کار و به تعبیر دیگر ملکیت تعهد اجیر به انجام کار او و نه بیشتر گردیم. (محقق داماد، نعمت الهی، ۱۳۸۵: ۳۲)

مطابق دیدگاه کلی مطروحه در خصوص قرارداد حفظ و نگهداری در سند فوق بیان گردیده است که وظیفه نگهدارنده صرفاً نگهداری و محافظت از کالا و برگرداندن آن در شرایط استاندارد بوده و به هیچ عنوان مالکیتی بر مال موضوع قرارداد و یا منافع آن برای وی ایجاد نخواهد شد. (Barendrecht & others, 2006: 495) بنابر این موضوع قرارداد حفظ و نگهداری، تعهد به نگهداری از مال با مهارت و مراقبت می باشد که مبنای تعیین میزان و معیار مراقبت و مهارت معیار «مراقبت حداکثری و بهترین عملکرد» ارائه شده است. (Simon, 2005: 9) لذا با این وصف قرارداد حفظ و نگهداری عقدی عهدی محسوب می گردد بنابراین از این حیث نیز دارای تفاوت با قرارداد اجاره می باشند.

البته نکته حائز اهمیت این که در قرارداد حفظ و نگهداری، نگهدارنده باید شخصی حرفه ای در ارائه خدمت بوده و مکان و امکانات و ابزار لازم جهت اجرای خدمت را نیز داشته باشد چراکه یکی از تعهدات اساسی ارائه کننده خدمت مطابق ماده ۴:۱۰۴ سند، تعهد نگهدارنده در خصوص ورودی ها^۱ می باشد که مطابق این تعهد بیان می دارد نگهدارنده می بایست توانایی لازم جهت انتخاب محل مناسب، نیروی کار واجد شرایط و استفاده از ابزار، مواد و تجهیزات مناسب برای اجرای تعهد را دارا باشد (کیمیائی نالکیاشری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۸) در حالی که در خصوص قرارداد اجاره اشخاص چنین شرایطی برای اجیر الزامی نیست مگر اینکه جزو شرایط ضمن عقد قرار بگیرد.

۳-۳. مقایسه قرارداد حفظ و نگهداری با قرارداد جعاله

مطابق ماده ۵۶۱ قانون مدنی «جعاله عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین» جعاله عبارت است از انجام عملی معین در مقابل اجرتی معلوم، طبق

قرارداد و یا التزام شخص به ازای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عملی معین. جعاله یکی از نهادهای قانون مدنی و دارای ریشه ای عمیق در فقه اسلام است. (اسماعیل زاده، پور ابراهیم، ۱۳۹۹: ۱۱)

با توجه به تعریف فوق به نظر می رسد که جعاله با قرارداد حفظ و نگهداری ازاین حیث که در هر دو آن ها، یک طرف در مقابل انجام عملی، مستحق دریافت اجرت می باشد، دارای شباهت است، چرا که مطابق این عقد، هدف ارائه خدمت می باشد ضمن اینکه مطابق نظر غالب، جعاله نیز در زمره عقود عهدی بوده و همچنین از دیگر ویژگی های آن رضایی و معوض بودن است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۴۳/ موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۵۸۶: ۲) که ویژگی های مذکور در قرارداد حفظ و نگهداری نیز وجود دارند. ولیکن علیرغم وجود شباهت های فوق تفاوت هایی نیز میان این دو قرارداد وجود دارد که به اختصار اشاره می گردند:

اول: جعاله عقدی جایز است و از اصل لزوم قراردادهای پیروی نمی کند. قبل از اتمام عمل با اراده هر یک از طرفین و همچنین با فوت و حجر هر یک از آنان منحل می گردد دراین خصوص ماده ۵۶۵ قانون مدنی با صراحت بیان می نماید که جعاله تعهدی جایز است و مادامی که عمل به اتمام نرسیده هر یک از طرفین حق رجوع از آن را خواهند داشت. (موسویان، ۱۳۹۰، ۴۴۳) در حالی که همانطور که قبلا بیان شد قرارداد حفظ و نگهداری از ناحیه دریافت کننده خدمت جایز و از ناحیه ارائه کننده خدمت لازم می باشد (Barendecht & others. 2006: 552)

ثانیا: جعاله از عقود مسامحه ای است بدین معنا که در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست بنابر این اگر کسی ملتزم شود که هر کس گم شده او را پیدا کند حصه مشاعی از آن متعلق به او خواهد بود، جعاله صحیح خواهد بود. البته در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن هم نامعلوم باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۸۶) در مقابل، قرارداد حفظ و نگهداری، عقدی مغایره ای است چرا که در جامعه امروزی ارائه خدمت حفظ و نگهداری، به یک حرفه تبدیل شده و هدف اصلی مشتری از سپردن مال به نگهدارنده، اطمینان نسبت به نگهداری از مال به نحو حرفه ای و مطلوب می باشد. و از طرف دیگر نگهدارنده با هدف کسب منفعت اقدام به ارائه این خدمت می نماید. لذا اهمیت پرداخت قیمت از آن جا بیشتر مورد توجه قرار می گیرد که در سند فوق، مطابق بند دو ماده

۴:۱۰۸ اشاره گردیده در صورت عدم پرداخت قیمت در زمان بازگرداندن مال مورد نگهداری، نگهدارنده می تواند از حق حبس استفاده نموده و تا زمان دریافت قیمت، از استرداد مال خودداری نماید. (Barendecht & others.2006:570) حال با توجه به اهمیت پرداخت قیمت و وجود حق حبس و دیگر ضوابط و تعهدات قرارداد حفظ و نگهداری می توان به این نتیجه رسید که این قرارداد در زمره عقود مغایه ای بوده و از این حیث با قرارداد جعاله متفاوت می باشد. لذا قرارداد جعاله نیز قالب مناسبی برای قرارداد حفظ و نگهداری نمی باشد.

۴-۳. مقایسه قرارداد حفظ و نگهداری و عقد صلح

در میان فقها برخی بر این باورند که عقد صلح برای رفع نزاع تشریع شده است (حلی، ۱۴۰۸: ۹۹) ولی نظر مشهور فقهای امامیه بر آن است که وجود یا احتمال بروز نزاع در انعقاد عقد صلح شرط نیست (کرکی، ۱۴۱۴، ۴۰۷ / شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۷۳ / اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۳۱ / بحرانی، بی تا، ۲۳۳ / بهبهانی، ۱۴۱۷: ۴۳۷) به نظر می رسد قانون مدنی ایران به تبع نظر مشهور فقها سبق یا احتمال بروز نزاع را شرط انعقاد قرارداد صلح ندانسته و نظر مشهور فقها را پذیرفته است اغلب حقوقدانان نیز این نظر را پذیرفته اند (امامی، ۱۳۹۰: ۳۲۰ / کاتوزیان ۱۳۸۶: ۲۹۹ / شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۳۱) بنابراین قرارداد صلح، گستره وسیعی دارد که می توان از آن نه تنها برای رفع دعوی، بلکه برای ایجاد آثار سایر قرارداد ها و نیز ایجاد آثاری استفاده نمود که در قراردادهای دیگر، معهود نیست. (محسنی، قبولی درافشان، ۱۳۹۲: ۱۱۶) ماده ۷۵۸ قانون مدنی بیان می دارد: «صلح در مقام معاملات، هرچند نتیجه معامله ای را که به جای آن واقع شده است می دهد، لیکن شرایط و احکام خاصه آن معامله را ندارد...»

حال در خصوص اینکه آیا می توان این قرارداد را قالب مناسبی برای قرارداد حفظ و نگهداری قلمداد نمائیم، پاسخ منفی است چرا که قرارداد صلح، مطابق ماده ۷۶۰ قانون مدنی عقدی لازم قلمداد شده و هیچ یک از طرفین حق فسخ قرارداد را نخواهند داشت در حالی که قرارداد حفظ و نگهداری از ناحیه مشتری جایز و از ناحیه نگهدارنده، لازم می باشد و این موضوع موجب ایجاد تمایز بین این دو قرارداد می گردد.

۴- بررسی قرارداد حفظ و نگهداری در قالب عقد نامعین

عقود نامعین در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران معرفی شده است. این عقود از حیث شکل، الگو، شرایط و آثار نامحدود بوده و متناسب با نیاز و اراده اشخاص منعقد می‌گردد. اصل حاکمیت اراده در حقوق ایران به آزادی قراردادی تعریف می‌شود که منشا آن مطابق ماده ۱۸۳ قانون مدنی، توافق دو اراده می باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

قرارداد حفظ و نگهداری هم که یک عمل حقوقی دوجانبه محسوب شده و حاصل اراده طرفین قرارداد می باشد، قرارداد ویژه ای با احکام و آثار خاص است. سند فوق تعریف، ضوابط و شرایط خاصی را برای آن مطرح نموده است. لذا پس از تطبیق این قرارداد با عقود معینی که دارای تعاریف و ساختار مشابهی با قرارداد مذکور می باشند، با یک سری مغایرت هایی برخورد شد که باعث عدم راهیابی قرار داد حفظ و نگهداری، به قلمرو عقود معین گشت. این امر، رهنمون کننده به سمت عقود نامعین و بهره گیری از اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها و در نتیجه، بررسی ماده ۱۰ قانون مدنی می باشد که در این قسمت به آن پرداخته می شود.

اصل آزادی قراردادها در ماده ۱۰ قانون مدنی ایران این گونه تعریف شده که: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است» از تعریف فوق چهار نتیجه قابل استنباط می باشد:

اول: این که اشخاص می توانند به هر شکلی که تمایل دارند قراردادهای خویش را منعقد ساخته و نتایج و آثار آن را آزادانه تعیین کنند.

دوم: قرارداد با تراضی طرفین محقق می شود و تشریفات خاصی ندارد.

سوم: بعد از انعقاد قرارداد طرفین ملزم به رعایت مفاد آن بوده و می بایست تعهدات ناشی از آن را اجرا کنند.

چهارم: عقود و معاملات فقط بین طرفین و قائم مقام قانونی آنان مؤثر بوده و هیچ کس نمی تواند جز در موارد استثنایی تعهدی بر دیگری تحمیل یا حتی به سود او به وجود آورد.

البته اشاره به این موضوع نیز ضروری است که نتایج فوق در عالم حقوق دارای استثنائاتی نیز می‌باشد که موجب شده اصل حاکمیت اراده اهمیت پیشین خود را از دست بدهد چراکه اراده افراد در قالب قرارداد یا ایقاع در صورتی که مخالف قوانین امری و یا نظم عمومی باشد، باطل و بی اثر است. (قاسم زاده، ۱۳۹۱: ۵۱)

در واقع با پذیرش عقود نامعین و جایگاه آن باید پذیرفت که امروزه هر نوع قرارداد که از دید عقلا و عرف عقد و پیمان تلقی گردد مشمول اصل وفای به عهد و صحیح است مشروط بر آن که شرایط عرفی و عقلایی عقد را در برداشته باشد و در خصوص آن مقررات و احکام شرع رعایت شده باشد. (قنوتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱۳) بنابراین جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد نموده باشد، اراده اشخاص حاکم بر سرنوشت قراردادهای و توافقات ایشان است و آزادی اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت. حال اگر ماده ۱۰ قانون مدنی را به عنوان قالبی برای پر کردن خلأ برخی از عقود معین به حساب نیاوریم برای تطبیق قرارداد حفظ و نگهداری ممکن است با مشکلاتی مواجه شویم چرا که همان طور که سابقا در این مقاله بررسی شد، قابلیت استفاده از قرارداد حفظ و نگهداری در قالب عقود معین امکان پذیر نیست. از اصل آزادی قراردادی در عقود معین می‌توان برای گسترش دادن به حکومت اراده طرفین بهره برد چرا که هدف اصلی از وضع ماده مذکور این است که در موارد اجمال یا سکوت قانون اراده دو طرف عقد حاکم بر روابط ایشان باشد؛ بنابراین چنانچه اشخاص در قالب عقود معین و یا ماده ۱۰ قانون مدنی قراردادی منعقد نمایند، مطابق اصل آزادی قراردادی می‌توانند شرایط و آثار قرارداد خود را انتخاب نمایند. ضمن اینکه از محاسن انعقاد قرارداد حفظ و نگهداری با استفاده از ماده ۱۰ قانون مدنی این است که افراد می‌توانند قرارداد را به هر عنوانی که تمایل دارند منعقد نموده و آثار و نتایج آن را به دلخواه تعیین کنند افزون بر این اصل حاکمیت اراده اقتضا دارد که در تفسیر قرارداد به آنچه متعاقدين به طور صریح یا ضمنی اراده کرده‌اند توجه شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد ماده ۱۰ قانون مدنی یکی از مناسب‌ترین قالب‌های موجود برای بهره‌گیری در قرارداد حفظ و نگهداری باشد.

نتیجه گیری

قرارداد حفظ و نگهداری یکی از انواع قراردادهای خدمات محور محسوب می شود که به دلیل اهمیت اقتصادی این گونه قراردادها در اتحادیه اروپا در سند «اصول حقوق اروپایی در خصوص قراردادهای خدمات محور و سند چهارچوب مشترک مرجع» بیان شده است. در این قرارداد، یک طرف موظف به حفظ و نگهداری از مال سپرده شده در قبال دریافت اجرت می گردد.

با مذاقه در اسناد فوق و تطبیق با عقود معین موجود در حقوق ایران می توان به این نتیجه دست یافت که علیرغم وجود برخی شباهت ها، ماهیت قرارداد حفظ و نگهداری با عقود معین دارای تفاوت های اساسی است که موجب می گردد نتوان این قرارداد را در قالب عقود معین در حقوق ایران گنجانید. در قرارداد حفظ و نگهداری، لازم بودن از ناحیه نگهدارنده و جایز بودن از ناحیه دریافت کننده خدمت، معوض بودن، عهدی بودن، رضایی بودن مغایره ای و حرفه ای بودن از جمله ویژگی های برجسته این قرارداد می باشند. به نظر می رسد با توجه به ویژگی های منحصر به فرد قرارداد حفظ و نگهداری بهترین راه حل برای استفاده از این قرارداد این است که آن را تابع ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل آزادی قراردادها) بدانیم. البته مناسب تر است با توجه به کاربردی بودن این قرارداد، قانون گذار ایران ضوابط و شرایط آن را به عنوان یک قرارداد تعیین نماید لذا در این راه می توان از تجربه دیگر نظام های حقوقی از جمله سند فوق که به نوعی سندی جدید در این زمینه محسوب می شود، بهره گرفت تا بدین وسیله حجم ابهامات و اختلافات افراد جامعه کاهش یافته و مشکلات موجود در این زمینه مرتفع گردد.

فهرست منابع

- اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳ق، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد لأذهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۹.
- اسماعیل زاده، محمد، پور ابراهیم، احمد، ۱۳۹۹ش، تحلیل مبانی تأسیس حقوقی جعاله در حقوق داخلی، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، سال ۳، ش ۲.
- امامی، سیدحسن، ۱۳۹۰ش، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ج ۲.
- آملی، محمدتقی، ۱۴۱۳ق، کتاب مکاسب و البیع، تقریر درس نائینی، موسسه انتشارات اسلامی، ج ۱ و ۲.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، ۱۳۸۷ش، حقوق تعهدات، نشر میزان، ج ۲، چ ۴.
- امیری، میلاد، ۱۳۹۶ش، تعهدات طرفین در اصول اروپایی قراردادهای خدمات و حقوق ایران، دانشگاه شیراز، پایان نامه، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۰۰ق، مکاسب، انتشارات اسماعیلیان.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، مکاسب، قم، انتشارات اسلامی، ج ۱.
- بجنوردی، محمد حسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، ج ۵، چ ۱.
- بحرانی، حسین بن محمد (بیتا)، الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، قم، مجمع البحوث العلمیه، ج ۱۲.
- بحرانی، شیخ یوسف، ۱۴۰۵ق، الحقائق الناصره فی احکام العترة الطاهرة، بیروت، انتشارات دار الاضواء.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، ۱۴۱۷ق، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
- بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۹۰ش، حقوق تعهدات و قراردادهای مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام های حقوقی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ ۱.
- بهرامی، بهرام، ۱۳۹۰ش، عقد اجاره کاربردی، تهران، انتشارات نگاه بینه، چ ۳.
- پاکباز، سیامک، ۱۴۰۱ش، شرح تطبیقی قانون تعهدات فرانسه، تهران، نشر میزان، چ ۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۷ش، علم موضوع شناسی، تهران، گنج دانش، چ ۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶ش، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۱۸.
- حسینی روحانی، سید صادق، ۱۴۱۲ق، فقه الصادق علیه السلام، قم، دار الکتب - مدرسه امام صادق علیه السلام، ج ۱۹، چ ۱.
- حسینی، سید علی، ۱۳۷۳ش، ترجمه و توضیح لمعه، موسسه انتشارات دارالعلم، قم، چ ۱.
- خوهرسندیان، محمدعلی، امیری، میلاد، ۱۳۹۷ش، مطالعه تطبیقی تعهدات طرفین قراردادهای خدمات محور در حقوق ایران و اروپا، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۹، ش ۱.
- زین الدین، محمد امین، ۱۴۱۳ق، کلمة التقوی، قم، سید جواد وداعی، ج ۴، چ ۳.
- ساعتچی، علی، جاویدی آل سعدی، فرزاد، ۱۳۹۷ش، قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای خدمات محور، انتشارات مجد، تهران، چ ۱.
- شعاریان، ابراهیم، ۱۳۸۹ش، اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران، انتشارات فروزش، چ ۱.

شفیعی، علی، ۱۳۸۹ش، حفظ و نگهداری کالا و باز فروش آن به عنوان شیوه جبران در کنوانسیون وین، حقوق ایران و کامن لا، دانشگاه قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق خصوصی.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم، کتابفروشی داوری، ج ۴، چ ۱.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰ق، شرح لمعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۲.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳ق، مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، موسسه معارف اسلامی، ج ۵، چ ۱.

شهیدی، مهدی، ۱۳۹۰ش، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات مجد، چ ۸.

طباطبایی، سید علی، ۱۴۰۴ق، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة، بیجا، انتشارات موسسه آل البيت.

علامه حلی، ۱۴۱۳ق، قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی.

قاسم زاده، سیدمرتضی، ۱۳۹۱ش، حقوق مدنی، مختصر قراردادها و تعهدات، تهران، نشر دادگستر.

قنوتی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن، عبدی پور، ابراهیم، ۱۳۹۹ش، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران، انتشارات سمت، چ ۱۰.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ش، درس هایی از عقود معین، تهران، گنج دانش، ج ۲، چ ۱۰.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ش، درس هایی از عقود معین، تهران، گنج دانش، ج ۱، چ ۱۰.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶ش، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، سهامی انتشار، چ ۱۲.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷ش، دوره عقود معین، تهران، سهامی انتشار، ج ۱، چ ۱۰.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۸ش، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، ج ۱، چ ۸.

کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹ش، عقود معین، تهران، سهامی انتشار، ج ۴، چ ۶.

کاشانی، محمود، ۱۳۸۸ش، حقوق مدنی، قراردادهای ویژه، تهران، انتشارات میزان، ج ۱.

کرکی، علی بن حسین عاملی، ۱۴۱۴ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ج ۵.

کیمیائی نالکیشری، زهرا؛ زوکی نژاد، مرضیه؛ قبولی درافشان، سید محمد مهدی، ۱۴۰۲ش، بررسی تعهدات ارائه دهنده خدمت در قرارداد حفظ و نگهداری با تطبیق در اصول حقوق اروپایی قراردادهای خدمات محور و حقوق ایران، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۰، ش ۲.

محسنی، سعید، قبولی در افشان، سید محمد مهدی، ۱۳۹۲ش، بررسی فقهی حقوقی ماهیت قرارداد انتشار، مطالعات اسلامی، فقه و اصول، ش ۹۲.

محقق ثانی، ۱۴۰۸ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، موسسه آل البيت، ج ۱.

محقق حلی، ۱۴۰۳ق، شرایع الاسلام، دار الاضواء، بیروت، ج ۲.

محقق داماد، مصطفی؛ نعمت الهی، اسماعیل، ۱۳۸۵ش، عهدهی یا تملیکی بودن اجاره اشخاص، فصلنامه حقوقی مفید، ش ۵۸.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۰ش، تحریر الوسیله، قم، دار الکتب العلمیه، ج ۲.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۰ش، تحریر الوسیله، قم، ج ۱.

موسویان، سید عباس، ۱۳۹۰ش، طرح تحول نظام بانکی اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۱.

نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۱ق، جواهر الکلام فی الشرح شرایع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲۷، چ ۷.

نیکوند، شکر اله، ۱۳۹۶ش، ماهیت حقوقی عقود مجانی با شرط عوض، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۳۱.

Reference

- Barendrecht, M., Jansen, C., Loos, M., Pinna, A., & van Gulijk, S. (2006). *Principles of European law: Study Group on a European Civil Code (PEL SC): Service contracts*. Sellier European Law Publishers.
- Beale, H., Fauvarque-Cosson, B., Rutgers, J. W., Tallon, D., & Vogenauer, S. (2010). *Cases, materials and text on contract law*. Hart Publishing.
- Bénoliel, I. (2016). *Service contract conditions*. European Commission, Directorate-General for Competition.
- Chitty, J. (2012). *Chitty on contracts: General principles*. Sweet & Maxwell.
- Mazeaud, D. (2015). *European contract law* (2nd ed.). European Law Publishers.
- Simon, R. I. (2005). Standard-of-care testimony: Best practices or reasonable care? *Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, 33(1).
- von Bar, C., Clive, E., & Schulte-Nölke, H. (Eds.). (2009). *Principles, definitions and model rules of European private law: Draft Common Frame of Reference (DCFR), outline edition*. Sellier European Law Publishers.
- Zimmermann, R. (1996). *The law of obligations: Roman foundations of the civilian tradition*. Clarendon Press.

In Persian/Arabic

- Āmilī, M. T. (1992/93). *Kitāb al-makāsib wa al-bayʿ: Reports of al-Nāʾinī's lectures* (Vols. 1-2). Islamic Publishing Institute. (In Arabic)
- Āmilī, Z. al-Dīn ibn ʿAlī (al-Shahīd al-Thānī). (1989/90a). *Al-Rawḍah al-bahīyyah fī sharḥ al-Lumʿah al-Dimashqīyyah* (Vol. 4; 1st ed.). Dāvarī Bookstore. (In Arabic)
- Āmilī, Z. al-Dīn ibn ʿAlī (al-Shahīd al-Thānī). (1989/90b). *Sharḥ al-Lumʿah* (Vol. 2). Dār Ihyaʾ al-Turāth al-ʿArabī. (In Arabic)
- Āmilī, Z. al-Dīn ibn ʿAlī (al-Shahīd al-Thānī). (1992/93). *Masālik al-afhām fī sharḥ Sharāʾiʿ al-Islām* (Vol. 5; 1st ed.). Islamic Maʿārif Institute. (In Arabic)
- Ardabīlī, A. ibn M. (1982/83). *Majmaʿ al-fāʾidah wa al-burhān fī sharḥ Irshād al-adhhān* (Vol. 9). Islamic Publications Office of the Society of Qom Seminary Scholars. (In Arabic)
- Bahrānī, Ḥ. ibn M. (n.d.). *Al-anwār al-lawāmiʿ fī sharḥ Maḥāṭib al-sharāʾiʿ* (Vol. 12). Majmaʿ al-Buḥūth al-ʿIlmiyyah. (In Arabic)
- Bahrānī, Y. (1984/85). *Al-ḥadāʾiq al-nādirah fī aḥkām al-ʾitrat al-tāhirah*. Dār al-Aḍwāʾ. (In Arabic)
- Bahramī, B. (2011). *Applied lease contract law* (3rd ed.). Negāh Bīneh Publishing. (In Persian)
- Bahramī Aḥmadī, H. (2011). *Law of obligations and contracts: A comparative study of Islamic jurisprudential schools and legal systems*. Imam Sadiq University Press. (In Persian)
- Behbahānī, M. B. ibn M. A. (1996/97). *Hāshiyat Majmaʿ al-fāʾidah wa al-burhān*. Al-ʿAllāmah al-Mujaddid al-Wahīd al-Behbahānī Institute. (In Arabic)
- Emāmī, S. H. (2011). *Civil law* (Vol. 2). Eslāmīyeh Bookstore. (In Persian)
- Amīrī Qāʾim-Maqāmī, A. M. (2008). *Law of obligations* (Vol. 2; 4th ed.). Mizan Publishing. (In Persian)
- Amīrī, M. (2017). *Obligations of the parties under the Principles of European Service Contract Law and Iranian law* [Master's thesis, University of Shiraz]. (In Persian)

- Esma'īlzādeh, M., & Pūr-Ebrāhīm, A. (2020). Analysis of the foundations of the legal institution of *ju'alah* in domestic law. *Specialized Quarterly Journal of Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 3(2).
- Hillī, A. ibn N. (1982/83). *Sharā'i' al-Islām* (Vol. 2). Dār al-Aḍwā'. (In Arabic)
- Hillī, H. ibn Y. (1992/93). *Qawā'id al-aḥkām*. Islamic Publishing Institute. (In Arabic)
- Husaynī, S. 'A. (1993). *Translation and commentary on al-Lum'ah* (1st ed.). Dār al-'Ilm Publishing Institute. (In Persian)
- Husaynī Rūḥānī, S. Ṣ. (1991/92). *Fiqh al-Ṣādiq ('alayhi al-salām)* (Vol. 19; 1st ed.). Dār al-Kitāb-Imam Sadiq School. (In Arabic)
- Ibn al-Husayn, 'A. (1999/2000). *Al-qawā'id al-fiqhiyyah* (Vol. 5; 1st ed.). Al-Hadi Publishing. (In Arabic)
- Imāmī, S. H. (2002). *Civil law* (Vol. 1). Eslāmīyeh Publishing. (In Persian)
- Ja'farī Langarūdī, M. J. (2007). *Legal terminology* (18th ed.). Ganj-e Danesh Publishing. (In Persian)
- Ja'farī Langarūdī, M. J. (2018). *The science of subject-matter classification* (1st ed.). Ganj-e Danesh Publishing. (In Persian)
- Kashānī, M. (2009). *Civil law: Special contracts* (1st ed.). Mizan Publishing. (In Persian)
- Kātūziān, N. (2007a). *Lessons on nominate contracts* (Vol. 1; 10th ed.). Ganj-e Danesh Publishing. (In Persian)
- Kātūziān, N. (2007b). *Lessons on nominate contracts* (Vol. 2; 10th ed.). Ganj-e Danesh Publishing. (In Persian)
- Kātūziān, N. (2007c). *An introductory course in civil law* (12th ed.). Sahami Aam Enteshar Company. (In Persian)
- Kātūziān, N. (2008). *A course on nominate contracts* (Vol. 1; 10th ed.). Sahami Aam Enteshar Company. (In Persian)
- Kātūziān, N. (2009a). *Civil law: General principles of contracts* (Vol. 1; 8th ed.). Sahami Aam Enteshar Company. (In Persian)
- Kātūziān, N. (2009b). *Nominate contracts* (Vol. 4; 6th ed.). Sahami Aam Enteshar Company. (In Persian)
- Karakī, 'A. ibn H. al-'Āmilī. (1993/94). *Jāmi' al-maqāṣid fī sharḥ al-qawā'id* (Vol. 5). Āl al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Kīmiyā'i Nālkīyāshri, Z., Zūkīnezḥād, M., & Qubūlī Darafshān, S. M. M. (2023). A study of the service provider's obligations in custodial and safekeeping contracts, with reference to the Principles of European Service Contract Law and Iranian law. *Comparative Research on Islamic and Western Law*, 10(2). (In Persian)
- Khorsandiyān, M. 'A., & Emīrī, M. (2018). A comparative study of the obligations of parties to service-oriented contracts under Iranian and European law. *Comparative Legal Studies*, 9(1). (In Persian)
- Maḥaqqiq al-Thānī, 'A. al-K. (1989/90). *Jāmi' al-maqāṣid fī sharḥ al-qawā'id* (Vol. 1). Āl al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Maḥaqqiq al-Dāmād, M., & Ne'matollāhī, I. (2006). Whether a lease of persons is an obligatory or translatative contract. *Mofid Legal Quarterly*, (58). (In Persian)
- Mūsavī Khomeinī, R. (2001). *Tahrīr al-wasīlah* (Vol. 1). [Publisher not specified]. (In Arabic)
- Mūsavī Khomeinī, R. (2011). *Tahrīr al-wasīlah* (Vol. 2). Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)

- Mūsaviyān, S. 'A. (2011). *Plan for reforming the banking system: Legal reform and the operational model of interest-free banking* (1st ed.). Publications Organization of the Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Najafī, M. Ḥ. (1980/81). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ Sharā'ī 'al-Islām* (Vol. 27; 7th ed.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Nīkūvand, Sh. (2017). Legal nature of gratuitous contracts subject to a counter-performance clause. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*, (31). (In Persian)
- Pākbāz, S. (2022). *A comparative commentary on the French Law of Obligations* (3rd ed.). Mizan Publishing. (In Persian)
- Qāsimzādeh, S. M. (2012). *Civil law: A concise treatment of contracts and obligations*. Dadgostar Publishing. (In Persian)
- Qanavātī, J., Vahdatī Shabīrī, S. Ḥ., & 'Abdīpūr, I. (2020). *Contract law in Imami jurisprudence* (10th ed.). SAMT Publishing. (In Persian)
- Sā'atchī, 'A., & Jāvīdī Āl Sa'dī, F. (2018). *General rules governing service-oriented contracts* (1st ed.). Majd Publishing. (In Persian)
- Shahīdī, M. (2011). *Formation of contracts and obligations* (8th ed.). Majd Publishing. (In Persian)
- Shafī'ī, 'A. (2011). *Safekeeping and resale of goods as a method of reparation under the Vienna Convention: Iranian law and common law* [Master's thesis, University of Qom]. (In Persian)
- Sha'ārīyān, I. (2010). *Principles of European contract law and Iranian law* (1st ed.). Forūzesh Publishing. (In Persian)
- Ṭabāṭabā'ī, S. 'A. (1983/84). *Riyāḍ al-masā'il fī bayān al-aḥkām bi-al-dalā'il*. Āl al-Bayt Institute. (In Arabic)
- Zayn al-Dīn, M. A. (1992/93). *Kalimāt al-taqwā* (Vol. 4; 3rd ed.). Sayyid Javād Wadā'ī. (In Arabic)
- Anṣārī, M. (1994/95). *Al-makāsib* (Vol. 1). Islamic Publications Institute. (In Arabic)
- Anṣārī, M. (2021). *Al-makāsib*. Ismā'īliyān Publishing. (In Arabic)
- Bojnūrdī, M. Ḥ. (1998/99). *Al-qawā'id al-fiqhiyyah* (Vol. 5). Al-Hadi Publishing. (In Arabic)
- Mūsavī, R. (2001). *Tahrīr al-wasīlah* (Vol. 1). [Publisher not specified]. (In Arabic)
- Muḥammad Taqī al-Āmilī, M. T. (1992/93). *Kitāb al-makāsib wa al-bay'*: *Reports of al-Nā'inī's lectures* (Vols. 1-2). Islamic Publishing Institute. (In Arabic)